

ویژگی‌های گفتاری متهمان سرقت در محاکم قضایی

حسین رضویان^{۱*}، مریم جلیلی دوآب^۲

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

چکیده

زبان‌شناسی حقوقی شاخه‌ای جدید و میان‌رشته‌ای از زبان‌شناسی کاربردی و حقوق است که با استفاده از ابزارهای زبانی و شواهد زبان‌شناختی به تجزیه و تحلیل متون گفتاری و نوشتاری حقوقی می‌پردازد و در کشف جرم کمک می‌کند. هدف این مقاله، بدست آوردن ویژگی‌های گفتاری مجرمان سرقت در ارائه‌گفتار منحصربه‌فرد سارقان در تشخیص جرم است. نگارندگان با تحلیل زبان‌شناختی دفاعیات چهار پرونده‌ی سرقت در دادگستری استان سمنان، سعی دارند گفتار این متهمان را از منظر زبان‌شناسی حقوقی توصیف و تبیین کنند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که متهمان سرقت با به‌کارگیری بسیاری از اصول زبانی از قبیل وجهیت بالا، حذف کنشگر، پاره‌گفتار نابجا، کنش غیرمستقیم سعی می‌کنند اعتماد بازجوها را جلب نمایند و به‌نوعی از خود رفع اتهام کنند. بررسی جزئیات پرونده‌ها نشان می‌دهد که متهمان سرقت در دفاعیات خود به میزان متفاوتی از اصول زبان‌شناختی استفاده می‌کنند. به‌طور مشخص آن‌ها در گفتار خود ۲۹ درصد کاربرد وجهیت، ۱۶ درصد تناقض، ۱۴ درصد حذف کنشگر، ۱۰ درصد پیش‌فرض، ۳ درصد کنش‌های گفتاری، یک درصد تلویح و ۰/۵ درصد ساخت میانه بکار برده‌اند. همچنین نتایج حاکی از این است که توجه به ویژگی‌ها و ظرافت‌های زبانی همانند وجهیت پایین، تناقض در گفتار، حذف کنشگر، پیش‌فرض، تلویح، ساخت میانه و اصول همکاری گرایس در گفتار متهمان سرقت می‌تواند در کشف جرم به بازجوها و قضات کمک شایانی کند.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی حقوقی، جرم، سرقت، بازجویی، متهم



۱. مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی^۱ کاربرد زبان در حقوق است و می‌توان با به‌کارگیری ابزارهای زبان‌شناختی در تحلیل و تشخیص جرائم زبانی به پلیس کمک کرد. تحلیل در حوزه‌ی زبان‌شناسی حقوقی نیاز به چارچوب خاصی ندارد و می‌توان با توجه به نوع جرم از ابعاد مختلف زبان‌شناسی کمک گرفت. آنچه در این میان مهم است، آن است که بدانیم چگونه جرم زبانی را می‌توان با استفاده از ابزارهای زبان‌شناختی اثبات کرد و زبان‌شناس در تعامل بین پلیس، دادگاه و تعقیب کیفری چه نقشی می‌تواند ایفا کند. در کلانتری‌ها و مراجع قضایی برای اثبات جرم و نتیجه‌گیری قرار مجرمیت، توجه زیادی به گفته‌های متهم نمی‌کنند و بر اساس شواهد و مدارک غیرزبانی درباره‌ی مجرم بودن و نبودن متهم نتیجه‌گیری می‌کنند. در این میان این روند بسیار زمان‌بر است و چه‌بسا همیشه شاهد و مدرکی برای اثبات جرم وجود نداشته باشد و این مسئله باعث تیرئه شدن متهم و چه‌بسا گستاخ شدن وی به انجام جرم بعدی شود. اگر از بُعد زبان‌شناسی به گفته‌های مجرمان نگاهی بیندازیم متوجه خواهیم شد که برای تشخیص جرم ابزارهایی در سخنان آن‌ها وجود دارد که می‌تواند راه سریع و آسانی برای مجرم شناختن متهم باشد. به نظر نگارندگان ابزارهای زبانی زیادی وجود دارد که به کمک آن می‌توان ویژگی‌های گفتاری متهمان سرقت را تشخیص داد و در نتیجه سارق بودن متهم اثبات شود. با توجه به جدید بودن رویکرد زبان‌شناسی حقوقی و با عنایت به اینکه در این زمینه کار چندانی انجام نگرفته است، نگارندگان قصد دارند از این منظر به بررسی ویژگی‌های گفتاری متهمان سرقت بپردازند.

داده‌های پژوهش، بازجویی‌های انجام‌شده از طرف نیروی انتظامی و داسرا و دادگاه مربوط به چهار پرونده‌ی سرقت در شهرستان سمنان که هفت متهم دارد، می‌باشد. هدف نگارندگان شناسایی ویژگی‌های زبانی متهمان سرقت است که می‌تواند به عموم مردم و مراجع قضایی در شناخت این افراد کمک کند. لازم به توضیح است که به لحاظ حقوقی تنها دلیل محکومیت متهم، شکایت شکات، شهادت شاهدین ماجرا، سابقه‌ی متهم، تکرار جرم و... برای قاضی کفایت می‌کند تا قرار حکم صادر کند؛ بنابراین نگارندگان در چندین محور به ویژگی‌های زبانی دفاع متهمان در محیط قضایی می‌پردازند. ویژگی‌های زبانی دفاع متهم در نیروی

انتظامی، دادسرا و دادگاه، بعد دیگری از شواهد در جهت شناسایی جرم سرقت است.

۲ پیشینه‌ی پژوهش

زبان‌شناسی حقوقی به تعامل بین زبان و قانون می‌پردازد و در مواردی از قبیل بررسی نامه‌های تهدیدآمیز، شناسایی مؤلف واقعی در سرقت‌های ادبی، شناسایی مجرم در جرائم اینترنتی نیازمند تحلیل جدی و زبان‌شناختی از سوی زبان‌شناس است (تولان: ۲۰۰۹: ۵). این شاخه‌ی نوین علمی با مقاله‌ی آقاگل‌زاده (۱۳۸۴) در ایران معرفی شد. به همت ایشان کتاب زبان‌شناسی حقوقی ۱۳۹۱ (نظری و کاربردی) ویراست دوم منتشر شده است و تاکنون دو همایش گفتمان حقوقی در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ برگزار شده است. در طی این ده سال بیش از ۲۰ پایان‌نامه و رساله و ۴۰ مقاله در بخش‌های مختلف زبان‌شناسی حقوقی تألیف شده است که برخی از مهم‌ترین و مرتبط‌ترین آن‌ها با پژوهش حاضر به شرح زیر است.

صفی (۱۳۸۶) به ویژگی‌های کلامی جدل‌های زنان و مردان از منظر زبان‌شناسی حقوقی می‌پردازد. ایشان با مقایسه‌ی دو گروه جنسی زن و مرد از نظر تنوع و بسامد تکرار واژه‌های حقوقی، جملات پرسشی و جملات تحکم‌آمیز نتیجه می‌گیرد که میانگین تنوع واژه‌ها و اصطلاحات حقوقی و همچنین میانگین بسامد جملات پرسشی و تحکم‌آمیز به‌کاررفته توسط مردان بیشتر از زنان است اما میانگین بسامد تکرار واژه‌ها و اصطلاحات حقوقی به‌کاررفته توسط زنان بیشتر از مردان است.

زائری و دیگران (۱۳۹۵) به کاربرد دانش و راهبردهای کاربردشناسی زبان در گفتمان حقوقی جهت بررسی انواع شیوه‌های اقتناع وکلا، در دادگاه‌های کیفری ایران جهت متقاعد نمودن قضات به روش میدانی می‌پردازند. داده‌های پژوهش از ۲۰ جلسه علنی دادگاه شهر شیراز جمع‌آوری شده‌اند که در مجموع ۲۱۱۲ جمله می‌باشند که از این میان ۶۵۴ جمله متعلق به وکلای مدافع، ۳۵۱ جمله مربوط به قضات می‌باشد که در پژوهش آن‌ها مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته‌اند. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی درصدد پاسخگویی به این سؤال است که چگونه کنش گران از دانش زبان‌شناختی (نحو، معناشناسی، کاربردشناسی، ...) و فرازبانی جهت دستیابی به هدف اقتناع یکدیگر بهره می‌گیرند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وکلا از شیوه‌های زبانی تبصره‌های قانونی و از راهبردهای کاربردشناسی، حذف، اظهار، نام دهی،



تأکید بر پیشیمانی، انکار جرم متهم و همچنین شیوه‌های فرازبانی، در گفتار دادگاه در حوزه زبان‌شناسی حقوقی جهت اقناع قاضی تأکید می‌ورزند.

پژوهش‌های متعددی در این زمینه در میان آثار پژوهشگران غیر ایرانی وجود دارد که در ادامه به معرفی برخی از آنها می‌پردازیم:

هانگ و براداک^۲ (۱۹۹۳) در پژوهش خود به سبک گفتار شهادت‌دهندگان در دادگاه می‌پردازند. هدف آن‌ها رسیدن به جواب این سؤال است که آیا سبک گفتار ضعیف اثربخشی کلام را کاهش می‌دهد؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که شهادت‌دهندگان مرد و زن، هر دو مجذوب افرادی (اعم از زن و مرد) می‌شوند که از سبک گفتاری قوی استفاده می‌کنند. ایشان متغیرهایی نظیر استاندارد بودن، تنوع واژگانی، سرعت کلام، شدت زبانی و جنسیت را نشانه‌های سبک کلامی قوی می‌دانند و در مقابل، متغیرهای غیراستاندارد بودن، سؤال ضمیمه‌ای، طفره‌روی در جواب، استفاده از عبارات تشدیدکننده، استفاده از عبارات تردیدآمیز، عبارات ارجاعی و صورت‌های مؤدبانه را نشانه‌های سبک کلامی ضعیف می‌دانند که حاکی از افراد طبقه اجتماعی پایین می‌باشد.

شای^۳ (۲۰۱۴) در کتاب خود به بیان پانزده مورد از دادگاه‌هایی پرداخته که وی در آن‌ها به‌عنوان شاهد و متخصص زبانی حضور داشته است. ایشان توضیح می‌دهد که چگونه اصطلاحات مبهم حقوقی را می‌توان از طریق تجزیه و تحلیل زبان مورد استفاده توسط مضمونین، متهمان، مأموران اجرای قانون و وکلا واضح کرد.

۳ مبانی نظری

در این بخش قبل از بررسی و تحلیل گفتار سارقان لازم است برخی از مفاهیم و اصطلاحات حقوقی و زبان‌شناسی معرفی و توضیح داده شود.

۳-۱ پیش‌فرض

براون و یول^۴ (۱۹۸۳: ۲۹) پیش‌فرض^۵ را چنین تعریف می‌کنند: «پیش‌فرض‌ها مواردی هستند که از سوی گوینده جزء زمینه‌های مشترک شرکت‌کنندگان در مکالمه محسوب می‌شوند»؛

به عبارت دیگر، «فرض گوینده این است که شنونده برخی اطلاعات را از قبل می‌داند و از آنجایی که چنین اطلاعاتی دانسته انگاشته می‌شوند، عموماً به زبان نمی‌آیند و در نتیجه در شمار اطلاعات انتقال یافته، اما اظهارنشده محسوب می‌شوند».

عزیزی و مؤمنی (۱۳۹۱: ۲۶۷) معتقدند پیش‌فرض یکی از ابزارهای مورد استفاده پلیس هنگام بازجویی است. به مکالمه‌ی زیرا که مستقیماً از همان منبع اتخاذ شده است توجه کنید. بازجو: دیروز که با علی (مقتول) بیرون بودی، دقیقاً چه ساعتی برگشتی کارگاه؟
متهم: ساعت چهار.

ایشان این‌گونه بیان می‌کنند «که شاید اصلاً متهم با مقتول بیرون نبوده باشد، اما به لحاظ تحلیل گفتمان عمده‌ی افراد به بخشی از پیام توجه دارند که حاوی پرسش یا اطلاع است» (همان). جمله‌ی افسر بازجو نیز این‌گونه است که انتهای جمله، پرسشی مطرح می‌کند که متهم باید پاسخ دهد. ولی این پرسش دارای پیش‌فرض ابتدای جمله است؛ یعنی اینکه متهم با مقتول بیرون کارگاه بوده است و احتمالاً فرصت ارتکاب قتل را داشته است.

یول (۱۹۹۶، ۴۳-۴۶) شش نوع پیش‌فرض را به شرح زیر بیان می‌کند:

۳-۱-۱ پیش‌فرض واقعیت پذیر

در پیش‌فرض واقعیت‌پذیر^۱، کاربرد عبارتی خاص بدین صورت تلقی می‌شود که گوینده صحت اطلاعاتی را که بیان می‌شود، از قبل مفروض می‌داند. برای نمونه افعالی همچون: دانستن، فهمیدن، متأسف بودن و نیز عباراتی که شامل فعل بودن به همراه صفات: آگاه، عجیب و خوشحال...

۳-۱-۲ پیش‌فرض واقعیت ناپذیر

پیش‌فرض واقعیت ناپذیر^۲، پیش‌فرضی است که نادرست بودن آن مفروض است. افعالی مانند خواب دیدن، خیال کردن و وانمود کردن، این پیش‌فرض را دارند که آنچه پس از آن‌ها می‌آید، نادرست است.



۳-۱-۳ پیش‌فرض واژگانی

در پیش‌فرض واژگانی^۱، تعبیر متعارف یک صورت (واژه) بر اساس معنی بیان‌شده (لفظ) و معنی بیان‌نشده‌ی (از پیش‌فرض) آن صورت می‌پذیرد. به‌طور مثال اگر بگوییم کسی «از عهده‌ی» کاری برآمد، معنی بیان‌شده‌ی آن این است که آن شخص به نحوی موفق به انجام کار شده است و هنگامی‌که می‌گوییم کسی «از عهده برنیامد» معنی بیان‌شده این است که آن شخص موفق به انجام آن کار نشده است؛ اما در هر دو مورد، یک پیش‌فرض مشترک (معنی بیان‌نشده) وجود دارد و آن این است که آن «شخص در انجام آن کار کوشید»؛ بنابراین، بر اساس عرف زبانی، «موفق شد» معنی بیان‌شده و «تلاش کرد» معنی بیان‌نشده‌ی عبارت «از عهده برآمد است». در پیش‌فرض واژگانی، هنگامی‌که گوینده عبارتی خاص را به کار می‌برد، چنین تعبیر می‌شود که این عبارت حاوی معنی (ناگفته) دیگری است.

۳-۱-۴ پیش‌فرض خلاف واقع

پیش‌فرض خلاف واقع^۲، پیش‌فرضی است که پیش‌فرض آن نه‌تنها درست نیست، بلکه حتی خلاف واقعیت یا «مغایر واقعیت» است. ساختار شرطی در جمله‌ی: «اگر دوستم بودی، به من کمک کرده بودی.» «شرطی خلاف واقع» نامیده می‌شود و این پیش‌فرض را می‌رساند که اطلاعات موجود در بند شرطی، هنگام ادای پاره‌گفتار صحت ندارد. دو نوع پیش‌فرض دیگر، پیش‌فرض وجودی و پیش‌فرض ساختاری هم وجود دارند که از ذکر آن‌ها به دلیل عدم وجود آن‌ها در گفتار متهمان سرقت خودداری می‌نماییم.

۳-۲ وجهیت

از نظر وردونک^{۱۱} (۲۰۰۲: ۳۹) «وجهیت»^{۱۱}، ابزاری زبانی برای گوینده فراهم می‌کند تا میزان تعهد خود را به واقعیت یا صحت آنچه به زبان می‌آورد، بیان کند و اثر سخنان خویش را بر افرادی که مخاطب او هستند، تعدیل سازد. سیمپسون (۱۹۹۷: ۲۰۲) می‌گوید: «وجهیت، نگرش یا نظر گوینده یا نویسنده در مورد صحت جملاتی است که بیان می‌کند». فاولر^{۱۲} (۱۹۹۶: ۱۶۷) معتقد است صورت‌های وجهی از بخش نسبتاً

به خصوص از واژگان انتخاب می‌شوند و به راحتی قابل تشخیص هستند. انواع صورت‌های وجهی عبارتند از:

۱) فعل‌های کمکی وجهی: خواهد، باید و ... در این دسته از فعل‌ها هرچه درجه ضرورت و الزام بیشتر باشد، بیان‌کننده‌ی قضاوت نویسنده و صحه گذاشتن او بر اطمینان از واقعیت داشتن مسائل می‌باشد.

۲) قیده‌های وجهی یا قیده‌های جمله: شاید، فرضاً، احتمالاً، که گفته می‌شود و ...

۳) صفات و قیود ارزیابی: لزوماً، با کمال تأسف، معمولاً و ...

هلیدی^{۱۳} (۱۹۹۴: ۳۳۲-۳۳۹) معتقد است قیده‌های ارزشیابی مانند اصلاً، همه، همان، تمام، تمامی، در کل، کلاً، واقعاً، دقیقاً، اکثراً، هیچ‌چیز، هیچ‌کدام، هیچ‌گونه، همه‌چیز، هرکدام، به‌هیچ‌عنوان، کلیه...، فقط، تنها، هیچ‌گونه، به‌محض، تاکنون، کاملاً، همیشه، حتماً و هرگز قیودی هستند که از درجه تقارن و بسامد بالایی برخوردارند. این قیده‌ها قیود متقارن نامیده می‌شوند و بیانگر قطعیت و اطمینان بیشتر هستند. وی همچنین معتقد است متغیرهای زبانی زیر بیانگر عدم قطعیت و اطمینان کمتر هستند:

۱. افعال وجهی شناختی: این افعال بیانگر عدم شناخت کامل و تردید هستند مانند خیال کردن، فکر کردن، به نظر رسیدن و ...
۲. قیود درجه‌بندی: قیودی که از تقارن و بسامد پایین‌تر برخوردارند مانند بعضی وقت‌ها، گاهگاهی، حدوداً، اغلب، اتفاقی، تقریباً، شاید و ...
۳. وجوه شرطی، التزامی و امری (همان).

۳-۳ تناقض

تناقض^{۱۴} رابطه‌ای معنایی است که به رابطه‌ی تضاد بین دو گزاره می‌پردازد. اگر دو گزاره هم‌زمان نتوانند در شرایط یکسان صادق باشند، باهم تناقض دارند (هرفورد و هیسلی، ۲۰۰۷: ۱۲۶).



۳-۴ حذف کنشگر

ون لیوون^{۱۵} انگاره‌ای پیشنهادی جهت بازنمایی کنشگران اجتماعی^{۱۶} دارد. الگوی وی زیرمجموعه‌ها و دسته‌بندی‌های زیادی دارد که در این الگو به جای اصطلاح مشارکین گفتمان^{۱۷}، از عبارت «کنشگران اجتماعی» استفاده می‌کند. الگوی ون لیوون در سطح نخست به دو مؤلفه‌ی حذف^{۱۸} و اظهار^{۱۹} تقسیم می‌شود. منظور از حذف کنشگر^{۲۰} در گفتمان، فرآیندی است که در آن کنشگر اجتماعی از گفتمان حذف و به دو زیر بخش پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی^{۲۱} تقسیم می‌شود. در فرآیند پنهان‌سازی با حذف کامل کنشگران اجتماعی و فعالیت‌های آن‌ها روبرو هستیم که ون لیوون آن را حذف افراطی^{۲۲} می‌نامد. اگرچه در کم‌رنگ‌سازی کنشگر گفتمان حذف می‌شود، کنش‌ها و ردپایش در متن قابل بازیابی است و می‌توان به‌گونه‌ای تلویحی به حضور او پی‌برد (ون لیوون، ۲۰۰۸).

۳-۵ کنش‌های گفتاری

آستین^{۲۳} (۱۹۷۵) معتقد است که هر پاره‌گفتاری در واقع نوعی کنش گفتاری^{۲۴} است. وی سه نوع کنش را مطرح می‌کند: کنش بیانی^{۲۵}، کنش غیر بیانی^{۲۶} و کنش پس‌بیانی^{۲۷}.

۳-۵-۱ کنش بیانی

پاره‌گفتار نابجا^{۲۸}: از نظر سرل^{۲۹} (۱۹۶۹) اظهارات یک گوینده را می‌توان به دو پاره‌گفتار کنشی^{۳۰} و قطعی^{۳۱} تقسیم نمود. از نظر وی این پاره‌گفتارها می‌توانند بجا^{۳۲} و نابجا باشند. برای مثال، همان‌گونه که اگر فردی توانایی انجام فعل وعده داده شده را نداشته باشد و با این حال بگوید «من قول می‌دهم که فلان کار را انجام دهم» این وعده نابجاست اما نه کاذب.

مثالی از گفتمان حقوقی:

ب: یعنی می‌خواهید بگویید که شما چاقو نداشته‌اید؟

م: قبول ندارم.

در اینجا افسر بازجو کننده از متهم می‌پرسد که «یعنی می‌خواهید بگویید که شما چاقو همراحتان نبوده و از این سلاح سرد استفاده نکرده‌اید، وی پاسخ می‌دهد که «قبول ندارم».

ملاحظه می‌کنید که متهم برای گریز از اتهام از پاره‌گفتار بیانی نابجا و بی‌ربط استفاده می‌کند تا به‌زعم خود افسر بازجو کننده را فریب دهد» (بدخشان و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱).

۳-۵-۲ کنش غیر بیانی (غیرمستقیم)

در این رابطه «ارتباط بین ساختار جمله و کارکرد آن غیرمستقیم است» (یول، ۱۹۹۶: ۷۶). آستین (۱۹۷۵) معتقد است در سطح دوم از تقسیم‌بندی خود، گوینده واژه‌ها را برای افاده‌ی بار معنایی خاصی به‌کار می‌گیرد.

نوع دیگری از کنش به نام کنش پس‌بیانی وجود دارد که از ذکر آن به دلیل عدم وجود آن در گفتار متهمان سرقت خودداری می‌نماییم.

۳-۶-۲ تلویح

گرایس (۱۹۷۵) بین معنای تحت‌اللفظی گویندگان و معنای تلویحی تمایز قائل شد و برای اولین بار عبارت تلویح^{۳۳} را مطرح کرد (به نقل از یول، ۱۹۹۶: ۵۹).

کلتارد و جانسون (۲۰۰۷: ۲۷) تلویح را با مثال زیر این‌گونه بیان می‌کنند:

الف: فردا می‌ای بریم سینما؟

ب: امتحان دارم.

الف. باشه.

در اینجا تضمین و تلویح پاسخ ب این است «می‌خواهم درس بخوانم و نمی‌توانم بیایم». گوینده‌ی الف از شنونده‌ی ب توقع دارد که بر اساس اطلاعات ماقبل که فراتر از معنی خود کلمات است، تضمن و تلویح موجود در بافت را دریابد.

تلویح بخش‌هایی از پیام هستند که رسانده می‌شوند، اما به زبان نمی‌آیند. تلویح نمونه برجسته‌ای از «افزونی پیام از کلام است». باید دانست که گویندگان از طریق تلویح پیام را می‌رسانند و شنوندگان از طریق استنباط آن را درک می‌کنند. یول در یک تقسیم‌بندی کلی تلویح را به دو دسته ۱. تلویح مکالمه‌ای^{۳۴} و ۲. تلویح قراردادی تقسیم می‌کند (یول، ۱۹۹۶: ۵۹). یول تلویح مکالمه‌ای را مبتنی بر اصول همکاری گرایس می‌داند و تضمن‌های سنجه‌ای^{۳۵} را که معمولاً براساس مقیاس/سنجه ارزشی^{۳۶} محاسبه می‌شوند زیرمجموعه‌ی تلویح مکالمه‌ای



عمومی می‌داند (همان). یول معتقد است برخلاف تلویح مکالمه‌ای، تلویح‌های قراردادی مبتنی بر اصول همکاری یا راهبردها نیستند از قبیل تضمن‌های متعارف (همان).

۳-۶-۱ تضمن‌های متعارف

یول معتقد است تضمن‌های متعارف^{۳۷} لزوماً در بطن مکالمه رخ نمی‌دهند و تعبیرشان نیازمند بافت خاصی نیست. این‌گونه تضمن‌ها- که بی‌شباهت به پیش‌انگاشت‌های واژگانی نیستند- به کلمات خاصی مربوطاند که در صورت به‌کارگیری آن کلمات، معنای ضمنی اضافی حاصل می‌شود. این واژه‌ها عبارتند از «اما، حتی، هنوز» (همان: ۶۰).

۳-۷-۱ ساخت میانه

در برخی زبان‌ها، علاوه بر شکل‌های مجهول و معلوم، حالتی میانی^{۳۸} هم وجود دارد. لوین^{۳۹} (۱۹۹۳: ۲۶) ساخت میانه^{۴۰} را ساختی می‌داند که دارای عاملی است که درک می‌شود اما بیان نمی‌شود و مفهوم است. سعید^{۴۱} (۲۰۰۳: ۱۷۱) معتقد است «صورت‌های میانه بر این نکته تأکید دارند که فاعل تحت تأثیر عملی قرار می‌گیرد که توسط فعل توصیف می‌شود». هگمن^{۴۲} (۱۹۹۴) و سعید (۲۰۰۳: ۱۷۰-۱۷۳) انواع این تأثیرپذیری را چنین طبقه‌بندی می‌کنند:

الف: فعل‌های لازم غیرارادی یا خنثی^{۴۳}: فاعل این فعل‌ها تحت تأثیر فرایندی یا تغییر حالت غیرارادی قرار می‌گیرد؛ مانند: «جنگل سوخت». در این صیغه، علت بیرونی بیان نمی‌شود؛ اما در شکل معلوم مربوط، اغلب نشان داده می‌شود.

ب: فعل‌های فعالیت بدنی و احساسات^{۴۴}: در برخی زبان‌ها، فعل زمانی به‌صورت میانی به کار می‌رود که فعالیت، مستلزم تأثیر بر بدن یا احساسات فاعل باشد؛ مانند: «ترسیدن، خوشحال شدن و ...»

۱. اگر سحر را دوباره ببینم خیلی خوشحال خواهم شد.

۲. مادرم هیچ‌وقت چراغ سوخته را تعویض نمی‌کند چرا که می‌ترسد مثل گذشته برق اتصالی کند.

ج: فعل‌های بازتابی^{۴۵}: در برخی زبان‌ها، زمانی از شکل میانی استفاده می‌شود که کنش فاعل بر خود فاعل، متعلقاتش یا اجزای بدنش تأثیر بگذارد؛ مانند: sit down=s'asseoir در زبان فرانسه.

د: فعل‌های خود بهره‌وری^{۴۶}: در این فعل‌ها، کنش فاعل به نفع خودش انجام می‌شود؛ مانند جمله زیر در زبان سومالی:

Hari- oumai moiran

Take- 1sg-middle share= I take a share for myself

حالت میانی در زبان‌های مختلف، به شیوه‌های گوناگون نشان داده می‌شود: در زبان آلمانی با ضمیرهای انعکاسی؛ در زبان یونانی به واسطه تعریف فعل؛ در زبان انگلیسی به صورت تناوب بین فعل معلوم متعدی و فعل میانی لازم.

در زبان فارسی، دسته‌ای از فعل‌های میانی وجود دارند که عبارتند از: ترسیدن، خوشحال‌شدن، شوک‌شدن و ... که این افعال از نوع دوم «افعال فعالیت بدنی و احساسی» هستند. در این نوع افعال، فعل یا عملکرد خود بر بدن یا احساسات فاعل، تأثیر می‌گذارد و البته عامل در آن‌ها، حذف می‌شود.

نمونه‌ای از افعال میانی در بازجویی‌ها:

ب: چرا تبریز؟ مثلاً قزوین که بهتره!

م: آخه ما تبریزی هستیم؛ رقتم پیش پدرم.

ب: چرا؟

م: چون ترسیده بودم. (فعل میانی)

ب: چی کار داشتی؟

م: اونجا کار داشتم (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۱۸). البته ویژگی‌های زبانی دیگری نیز همانند اصول همکاری گرایس^{۴۷} در گفتار متهمان قابل بررسی است که طرح و بحث درباره آن جستار جداگانه‌ای می‌طلبد و به دلیل محدودیت حجم مقاله از بررسی این ویژگی در مقاله حاضر صرف‌نظر کرده‌ایم.



۴ تحلیل داده‌ها

قبل از بررسی پرونده‌ها، ذکر چند نکته ضروری است:

۱. در متن بازجویی‌ها هر جا که برای حفظ حقوق و هویت افراد، از ذکر نام و مکان خودداری شده است؛ از علامت ... استفاده شده است و توضیحات لازم برای رفع ابهام در داخل () آمده است.
۲. متن بازجویی‌ها بدون دخل و تصرف عیناً نقل شده است و تنها غلط‌های املائی، جا افتادن افعال اسنادی و علائم نگارشی در متن بازجویی‌ها تصحیح شده است.
۳. از ذکر نام مراجع قدرت و متهم جهت سهولت و یکسانی در نوشتار خودداری شده است. علامت اختصاری «ب»، «ق» و «م» به ترتیب به جای بازجو کننده (بازجو^۸ یا بازپرس^۹)، قاضی و متهم به کار رفته است.

۴-۱ خلاصه پرونده‌ها

خلاصه پرونده‌ی اول: پسری ۲۲ ساله، بی‌سواد و اهل افغانستان متهم به سرقت لوازم ساختمان از ساختمانی نیمه‌کاره و در حال ساخت است که خلاصه‌ی اظهارات متهم و شکات در پرونده مشتمل بر ۱۶ صفحه است.

خلاصه پرونده‌ی دوم: در تاریخ ۸۸/۹/۲۲ دو فرد ۱۹ ساله و ۲۰ ساله سوار بر موتورسیکلت اقدام به کیف‌قاپی از خانمی ۲۰ ساله در خیابان می‌کنند. خلاصه‌ی اظهارات متهم و شکات مشتمل بر ۶۹ صفحه است.

خلاصه پرونده‌ی سوم: در تاریخ ۹۲/۸/۶ دو برادر ۲۳ ساله با تحصیلات دیپلم اهل خرم‌آباد به همراه یکی از بستگان خود با تحصیلات لیسانس و ۲۸ ساله سوار بر خودرو در سمنان اقدام به سرقت از چندین منزل می‌کنند که خلاصه‌ی اظهارات متهم و شکات مشتمل بر ۵۱ صفحه است.

خلاصه پرونده‌ی چهارم: در تاریخ ۹۲/۱۲/۲۵ فردی ۴۰ ساله با تحصیلات دیپلم ساکن تهران دستگیر می‌شود که متهم به چندین سرقت از منازل سمنان است که خلاصه‌ی اظهارات متهم و شکات مشتمل بر ۴۲ صفحه است.

۲-۴ روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و هدف آن، توصیف و تبیین ویژگی‌های گفتاری متهمان سرقت بر اساس اصول زبان‌شناختی از منظر زبان‌شناسی حقوقی است. با توجه به موضوع تحقیق که توصیف و تحلیل ویژگی‌های زبانی متهمان سرقت است، چهار پرونده‌ی سرقت از دادسراهای سمنان انتخاب شده است. این چهار پرونده به صورت کامل و سطر به سطر از مراحل اولیه‌ی بازجویی تا بازپرسی و دادگاه خوانده شده‌اند و موارد زبانی مورد بررسی مشخص، استخراج و تحلیل شده‌اند.

۳-۴ ویژگی‌های گفتاری متهمان سرقت

متهمان جرائم مختلف هنگام دفاع از خود از ابزارهای زبانی متفاوتی استفاده می‌کنند. به کارگیری این ابزارها توسط متهمان به منظور خاصی صورت می‌گیرد. شناسایی ابزارهای به کاررفته توسط متهمان جرائم مختلف، به شناسایی سریع‌تر مجرمان کمک می‌کند. در این پژوهش به ابزارهای بکار رفته توسط متهمان سرقت می‌پردازیم که امید است به شناسایی سریع‌تر متهمان سرقت بینجامد.

۱-۳-۴ به کارگیری پیش فرض

به طور کلی متهمان پیکره‌ی پژوهش در گفتار خود ۵۵ مورد از پیش فرض‌ها استفاده کرده‌اند که به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۱. میزان استفاده از پیش فرض‌ها در گفتار متهمان

نوع	واقعیت پذیر	خلاف واقع	واقعیت ناپذیر	واژگانی
تعداد	۴۴	۴	۶	۱
درصد	۸۰	۷/۲۷	۱۰/۹۱	۱/۸۲

نمونه‌هایی برای مثال:

ب: چرا در ابتدا منکر سرقت و مالکیت موتورسیکلت شدید؟



م: اشتباه کردم الان پشیمانم. (پیش‌فرض واقعیت‌پذیر)

عبارات زیرخطدار حاوی پیش‌فرض واقعیت‌پذیر است و نشانگر این است که هرچه بازجو بیان می‌کند واقعیت دارد و گفته‌های سابق متهم پرونده‌ی اول کذب بوده است.

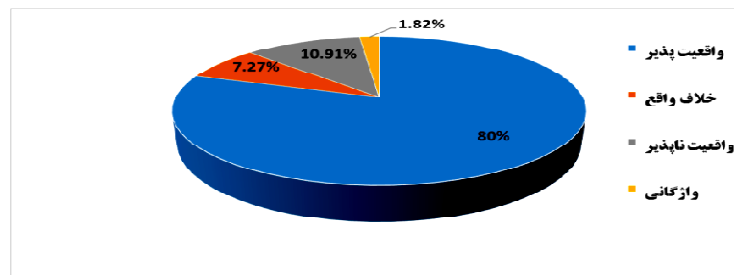
دفاع متهم در دادگاه: ... قصد ما کیف‌قاپی و دزدی نبود اگر ما دزد بودیم در محل حادثه صبر نمی‌کردیم تا مأمور برسد. (متهم از پیش‌فرض خلاف واقع استفاده کرده است)

متهم در پرونده‌ی دوم با استفاده از وجه شرطی «اگر» که حاوی پیش‌فرض خلاف واقع است سعی در کتمان حقیقت دارد. متهم از پیش‌فرض خلاف واقع به منظور اثبات حرف خود به‌عنوان یک حقیقت استفاده کرده است تا حقیقت بزرگ‌تر را کتمان کند.

ب: آیا در کنار این لپ‌تاپ وسایل دیگری را هم خریداری کرده‌اید؟

م: خاطرم نیست. (به خاطر نداشتن حاکمی از پیش‌فرض واقعیت‌ناپذیر است)

به خاطر نداشتن نشان از پیش‌فرض واقعیت‌ناپذیر دارد و به این معنا است که آنچه متهم در پرونده‌ی چهارم می‌گوید واقعیت ندارد یا به تعبیری دروغ است و نشانه‌ای برای مجرم بودن متهم است.



شکل ۱. درصد به‌کارگیری پیش‌فرض‌ها در گفتار متهمان

جدول و نمودار شماره‌ی ۱ نشان می‌دهد که متهم پرونده‌های سرقت در دفاع از خود به میزان ۸۰ درصد پیش‌فرض واقعیت‌پذیر، ۷.۲۷ درصد پیش‌فرض خلاف واقع، ۱۰.۹۱ درصد واقعیت‌ناپذیر و ۱.۸۲ درصد واژگانی استفاده می‌کند. در مبحث پیش‌فرض‌ها در پرونده‌های سرقت، بیشتر از همه‌ی موارد می‌توان به دنبال پیش‌فرض‌های واقعیت‌پذیر به‌عنوان یکی از

ویژگی‌های گفتاری سارقان بود. همان‌طوری که جدول و نمودار شماره‌ی ۱ نشان می‌دهد، متهمان سرقت حدود ۸۰ درصد در گفتار خود پیش‌فرض واقعیت‌پذیر دارند که نشان از پنهان‌کاری متهم دارد. نکته‌ی دیگر این است که در پرونده‌های سرقت نمی‌توان به دنبال پیش‌فرض ساختاری و وجودی به‌عنوان ویژگی سبکی بود چراکه تعداد این آمار صفر درصد است.

۴-۳-۲ به‌کارگیری وجهیت

در پیکره‌ی پژوهش ۱۶۰ مورد وجهیت یافت شد. در میان ۱۶۰ مورد وجهیت، ۹۹ مورد آن‌ها مربوط به قطعیت بالا و ۶۱ مورد آن‌ها مربوط به قطعیت پایین هستند.

جدول ۲. میزان استفاده از وجهیت در گفتار متهمان

وجهیت	تعداد	درصد
متهم قطعیت بالا	۹۹	۶۱/۸۸
متهم قطعیت پایین	۶۱	۳۸/۱۲

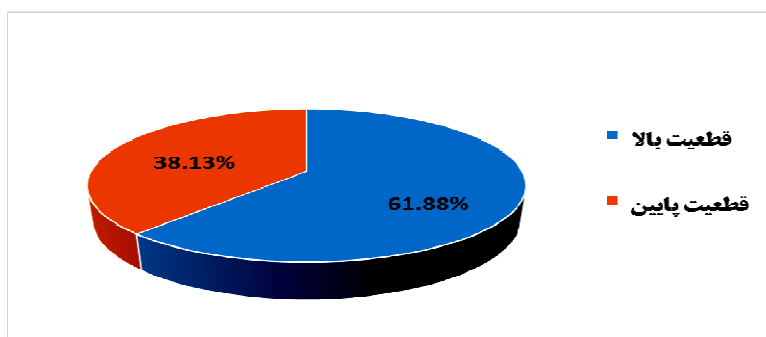
برای نمونه:

- ب: اگر آن فرد به شما گفت که چوب‌ها و قالب‌ها را جابه‌جا کن چرا اقدام به جمع‌آوری خاموت‌ها کردی؟
- م: چون زمانی که چوب‌ها را جمع کردم فکر کردم که مالک می‌گردها را نیاز ندارد و شروع به جمع‌کردن آن نمودم. (قطعیت پایین)
- متهم با به‌کارگیری فعل وجهی شناختی «فکر کردن» که بیانگر عدم شناخت کامل و تردید است سعی می‌کند در ذهن بازجو شک و تردید ایجاد کند و تا حدودی از خود رفع اتهام نماید.
- ب: آیا به‌غیر از ۸ مورد کیف‌قاپی دیگری هم انجام دادید؟
- م: خیر، هیچ مورد ندارم، قسم می‌خورم راست گفته‌ام. (هر دو قطعیت بالا)
- متهم با استفاده از عباراتی که حاوی قطعیت بالا هستند در جهت اعتمادسازی و اطمینان بخشی به بازجو استفاده می‌کند تا دروغ و جرم خود را مخفی نگه دارد.



دفاع متهم در جلسه بازپرسی: هیچ‌کدام (قطعیت بالا) از سرقت‌ها کار من نبوده و در اثر تهدیدات و فشارهای آگاهی مجبور به اعتراف شدم و روز یکشنبه هم با خانم که بود برخورد کردیم و حتی خودمان هم به زمین خوردیم و اگر سارق بودیم فرار می‌کردیم و صبر نمی‌کردیم (قطعیت پایین: وجه شرطی)

متهم از وجه شرطی «اگر» برای ایجاد شک و تردید استفاده می‌کند تا این‌گونه بتواند تا حدودی از خود رفع اتهام نماید.



شکل ۲. درصد به‌کارگیری وجهیت در گفتار متهمان

جدول و نمودار شماره‌ی ۲ نشان می‌دهد که متهمان سرقت در دفاع از خود به میزان ۶۱.۸۸ درصد عبارات قطعیت بالا و ۳۸.۱۳ درصد عبارات قطعیت پایین بهره می‌برند. نکته‌ی مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که متهمان سرقت در اوایل بازجویی از وجوه قطعیت بالا در جلب اعتماد بازجو و رهایی خود استفاده می‌کنند. در پایان هم که به جرم خود اعتراف می‌کنند، با رعایت این اصل سعی در همکاری در مکالمه دارند.

۳-۳-۴ تناقض

متهمان پیکره‌ی پژوهش ۸۶ مورد تناقض در گفتار خود داشتند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

ب: به همراهی چه کسانی به سمنان آمده بودید؟

م: بنده به اتفاق برادرم... (متهم دوم) و... (متهم سوم) که فامیلی وی را نمی‌دانم. (متهم اول در پرونده‌ی سوم)

ب: همراهان خود را بیان کنید؟ با چه وسیله‌ای به سمت مشهد می‌خواستید بروید؟

م: بنده به همراه برادرم... (متهم اول) و دیگر کسی همراه ما نبوده است. با خودروی پژو ۴۰۵ نوک مدادی به شماره پلاک... رفته بودیم. (متهم دوم در پرونده‌ی سوم)

ب: برادرتان اظهارات دیگری بیان داشته است. چه می‌گویید؟

م: بنده و برادرم بودیم و کسی دیگری نبوده است. (متهم دوم در پرونده‌ی سوم)

...

ب: برادرتان بیان داشته شخص دیگری نیز با شما بوده است. چه می‌گویید؟

م: بنده نمی‌دانم. چه بگویم شاید خواب بودم و مسافرکشی کرده است. (متهم دوم در پرونده‌ی سوم)

با توجه به سخنان دو متهم می‌بینیم که این دو در پاسخ به سؤالات بازجو متفاوت سخن گفته‌اند و بین جملات آن‌ها رابطه تناقض برقرار است که در اینجا بازجو با استناد به تناقض سخنان آن‌ها به نتیجه می‌رسد اما موارد زیادی هم از تناقض در سخنان یک متهم مشاهده شده است.

۴-۳-۴ حذف کنشگر

بررسی پرونده‌های پژوهش نشان می‌دهد که متهمان در گفتار خود در ۷۶ مورد به سه شیوه کنشگری را از خود حذف کرده‌اند:

الف: کنش را به فردی دیگری ارتباط می‌دهند.

ب: از خود سلب اختیار می‌کنند.

ج: کنش را به موجود غیر جاندار ارتباط می‌دهند.

برای نمونه:

ب: در خصوص نحوه‌ی سرقت از ساختمان نیمه‌کاره آقای... توضیح دهید.

م: من سرقت نکردم یک نفر آمد گفت بیا این کار را انجام بده و من رفتم چوب‌ها را ریختم آن‌طرف ساختمان.



در اینجا می‌بینیم که متهم کنش اصلی را به شخص سومی ارجاع می‌دهد تا نشان دهد که قصد سرقت نداشته است و مجرم نمی‌باشد.

ب: مدارک مکشوفه از ید^۱ شما را از کجا و چگونه به دست آورده‌اید؟

م: مدارک‌ها را از سر راه خیرآباد پیدا کردم.

در این قسمت نیز متهم با اشاره به یک مکان نامشخص و مبهم و به‌نوعی ارجاع به یک موجود غیرجاندار «سر راه خیرآباد» و همچنین استفاده از فعل غیرارادی «پیدا کردن» کنشگری را از خود دور می‌کند و از خود سلب اراده می‌کند.

ب: اگر قصد سرقت نداشتی چرا از کنار آن خانم عبور کردید؟

م: من خواستم آقای... (متهم دوم) را خانه برسانم از کنار هلال‌احمر رد شدم ناگهان آن اتفاق افتاد.

...

بخشی از دفاع متهم در دادگاه: ... ما گول خوردیم ... مرا ... (افغانی) گول زد.

در عبارات زیرخطدار بالا نیز متهم سعی می‌کند این‌گونه از خود سلب اراده و اختیار کند و نقش خود را در جرم کاهش دهد.

۴-۳-۵ کنش‌های گفتاری

متهمان پیکره‌ی پژوهش ۷ مورد پاره‌گفتار نابجا و ۷ مورد کنش غیرمستقیم داشته‌اند که برای هرکدام نمونه‌ای در زیر آمده است:

ب: قبل از دستگیری شما، آقای... (متهم سوم) با شما تماس گرفته است؟ فامیلی وی چه می‌باشد؟

م: نمی‌دانم والا حتماً کار داشته است - فکر می‌کنم ... باشد و همسر دختر عمه‌ام می‌باشد.

(پاره‌گفتار نابجا)

عبارت زیر خطدار بالا حاکی از پاره‌گفتار نابجای متهم در پاسخ به سؤال بازجو می‌باشد. متهم برای گریز از اتهام، از پاره‌گفتار بیانی نابجا و بی‌ربط استفاده می‌کند تا به‌زعم خود افسر بازجوکننده را فریب دهد؛ به‌عبارت دیگر تمامی این پاره‌گفتارهای نابجا حاکی از جرم متهم است.

ب: تصویر ضبط شده در آیفون تصویری منزل شاکی به رؤیت شما می‌رسد آیا تصویر متعلق به شما می‌باشد یا خیر؟

م: یه جورهایی شبیه من است و من سمنان نیامده‌ام و سرقت را انجام نداده‌ام. (کنش غیرمستقیم)

متهم با استفاده از کنش غیرمستقیم، به نوعی به جرم خود اعتراف می‌کند. وی با به کارگیری کنش‌هایی از این قبیل نشان می‌دهد که حقیقت همان چیزی است که بازجو می‌گوید و جرم خود را قبول دارد اما با استفاده از کنش غیرمستقیم از پذیرش قطعی آن می‌گریزد.

۴-۳-۶ تلویح

به طور کلی متهمان ۶ مورد تلویح‌های متعارف داشتند برای مثال به نمونه‌ی زیر اشاره می‌کنیم:

ب: محرک اصلی و انگیزه‌ی سرقت که بود؟

م: همه‌اش خربت من گول حرف‌های ... (متهم دوم) را خوردم نمی‌دانم چه طوری اما گول خوردم.

متهم با استفاده از کلمه‌ی «اما» که حاوی تضمن متعارف می‌باشد، به طور غیرمستقیم و به صورت تلویحی بیان می‌کند که مجرم است اما به صورت مستقیم سعی می‌کند به گونه‌ای از جرم خود بکاهد و اراده را از خود سلب کند.

۴-۳-۷ ساخت میانه

به طور کلی در پیکره‌ی مورد بررسی ۱ مورد ساخت میانه وجود دارد که به آن اشاره می‌شود.

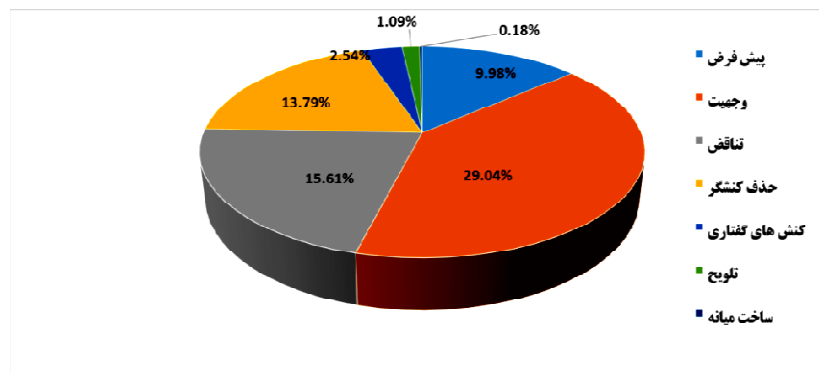
دفاعیات متهم سوم در بازپرسی مبنی بر دفاع از مشارکت با متهم اول و دوم در سرقت و تخریب منازل: اینجانب ... وقتی به تهران آمدم ... (متهم اول) و ... (متهم دوم) که پسردایی خانم بودن به من گفتن می‌خوایم بریم سمنان یک چک نقد کنیم و فقط تو به عنوان راننده با ما بیا که یک میلیون بهت می‌دیم؛ که بعد از برگشت و رسیدن به پلیس راه سرخه فهمیدم که قصه چیز دیگه است وقتی از طرف آگاهی سمنان ... (متهم اول) و ... (متهم دوم) گرفتن مادرش به من اطلاع



داد که من سریعاً خود را به سمندان رساندم آمدم خودم را معرفی کنم که ترسیدم و برگشتم... فعل ترسیدن جزء افعال دارای ساخت میانه است که دارای عاملی است که درک می‌شود اما بیان نمی‌شود. در این نمونه متهم از عبارت «ترسیدم» استفاده می‌کند؛ یعنی ترس ایشان عاملی دارد که بیان نمی‌شود. نتیجه‌ای که می‌توان برداشت نمود این است که عاملی برای ترسیدن در گفته‌های متهم وجود ندارد و باید عامل ناگفته‌ای برای ترسیدن ایشان وجود داشته باشد که وی آن را بیان نکرده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی ابزارهای زبان‌شناختی در گفتار متهمان پیکره‌ی پژوهش

ابزارها	تعداد	درصد
پیش‌فرض	۵۵	۹/۹۸
وجهیت	۱۶۰	۲۹/۰۴
تناقض	۸۶	۱۵/۶۱
حذف کنشگر	۷۶	۱۳/۷۹
کنش‌های گفتاری	۱۴	۲/۵۴
تلویح	۶	۱/۰۹
ساخت میانه	۱	۰/۱۸



شکل ۴. توزیع فراوانی ابزارهای زبان‌شناختی در گفتار متهمان پیکره‌ی پژوهش

همان‌طوری که مشاهده می‌کنید متهمان پیکره‌ی پژوهش در دفاع از خود ابزارهای زبانی خاصی بکار می‌برند. این ابزارها در گفتار متهمان فراوانی‌های متفاوتی دارد که عبارت است از پیش‌فرض ۹.۹۸ درصد، وجهیت ۲۹.۰۴ درصد، تناقض ۱۵.۶۱ درصد، حذف کنشگر ۱۳.۷۹ درصد، کنش‌های گفتاری ۲.۵۴ درصد، تلویح ۱.۰۹ درصد، ساخت میانه ۰/۱۸ درصد.

۵. نتیجه‌گیری

استفاده از علم زبان‌شناسی در حوزه‌ی کشف جرم و به‌ویژه در حوزه‌ی فعالیت پلیس یکی از جدیدترین مباحث زبان‌شناسی است. زبان‌شناسی حقوقی شاخه‌ای جدید و میان‌رشته‌ای از زبان‌شناسی کاربردی و حقوق است که با استفاده از ابزارهای زبانی و شواهد زبان‌شناختی به تجزیه و تحلیل متون گفتاری و نوشتاری می‌پردازد و به پلیس و قضات در کشف جرم کمک می‌کند. نگارندگان در این پژوهش به توصیف و تحلیل چهار پرونده‌ی سرقت موجود در دادگستری استان سمنان می‌پردازند و در پایان سعی دارند به ویژگی‌های گفتاری متهمان این چهار پرونده بپردازند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متهمان سرقت در دفاع از خود، ۲۹ درصد وجهیت، ۱۶ درصد تناقض، ۱۴ درصد حذف کنشگر، ۱۰ درصد پیش‌فرض، ۳ درصد کنش‌های گفتاری، یک درصد تلویح و ۰/۵ درصد ساخت میانه در گفتار خود به‌کار می‌گیرند. بررسی داده‌های پژوهش بیانگر آن است که متهمان سرقت با به‌کارگیری بسیاری از اصول زبانی از قبیل وجهیت بالا، حذف کنشگر، پاره‌گفتار نابجا، کنش غیرمستقیم سعی می‌کنند اعتماد بازجوها را جلب نمایند و به نوعی از خود رفع اتهام کنند. همچنین نتایج حاکی از این است که توجه به وجهیت پایین، تناقض در گفتار، حذف کنشگر، پیش‌فرض، تلویح و ساخت میانه در گفتار متهمان سرقت می‌تواند در کشف جرم به بازجوها و قضات کمک شایانی کند. بنابراین توجه به برخی ظرافتهای زبانی و به صورت کلی مطالعه و دقت در دستاوردهای حوزه زبان‌شناسی حقوقی، در رفع ابهام پرونده‌های قضایی راهگشا خواهد بود.



۶. پی‌نوشت‌ها

1. forensic linguistics
2. Ng, Sick Hung & J. Broadax
3. R. Shy
4. G. Brown & G. Yule
5. presupposition
6. factive presupposition
7. non factive presupposition
8. lexical presupposition
9. counter factual presupposition
10. Verdonk
11. modality
12. Fowler
13. M.A.K, Halliday
14. contradiction
15. Van Leeuwen, T.
16. social actors
17. participants
18. exclusion
19. inclusion
20. activism deletion
21. back grounding suppression
22. radical exclusion
23. Austin
24. speech acts
25. locutionary act
26. illocutionary act
27. perlocutionary act
28. infelicitous utterance
29. Searle
30. performative utterance
31. constative utterance
32. felicitous utterance
33. implicature
34. conversational implicature
35. scalar implicatures
36. scale of values
37. conventional implicatures
38. middle voice
39. B. Levin
40. middle voice construction

41. L. Haegeman
42. neuter intransitive verbs
43. bodily activity and emotion verbs
44. reflexive verbs
45. auto benefactive verbs
46. Gricean Cooperative Principles (GCP)

۴۷. کسی که در محیط نیرو انتظامی از متهم بازجویی می‌کند.

۴۸. کسی که در محیط داسرا از متهم بازجویی می‌کند.

۴۹. میلگرد، آرماتور

۵۰. دست

51. crime
52. larceny
53. thievery/ theft/ larceny
54. Toolan
55. interrogation
56. accused

۷. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضایی (حقوقی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». *مجموعه مقاله‌های نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۲۱۵-۲۲۵.
- _____ (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)*، ویرایش دوم، تهران: نشر علم.
- بدخشان، ابراهیم؛ مسعود دهقان و فرشاد دهقان (۱۳۹۴). «تحلیل کاربردشناختی نظریه کنش‌های گفتاری آستین و سرل در متن بازپرسی»، *مجموعه مقالات دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی (به کوشش فردوس آقاگل‌زاده)*، تهران: نشر نویسه پارسی.
- بیابانی، غلامحسین و سید کمال هادیان فر (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی علوم جنایی*، تهران: نشر تأویل.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۷). *ترمینولوژی حقوق*، انتشارات کتابخانه گنج دانش.



- زائری، عظیمه؛ فردوس آقاگل‌زاده و حیات عامری (۱۳۹۵). توصیف و تحلیل شیوه‌های زبانی و فرازبانی وکلا جهت اقناع در دادگاه‌های علنی ایران: تحلیل گفتمان دادگاه کیفری (زبان‌شناسی حقوقی)، *دو ماهنامه جستارهای زبانی*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مهر ۱۳۹۵ (مقالات آماده انتشار).
- صفی، نفیسه (۱۳۸۶). *ویژگی‌های کلامی جدلهای میان زنان و مردان در دادگاه خانواده شهر تهران*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور.
- عزیززی، سیروس و نگار مؤمنی (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی: درآمدی بر زبان، جرم و قانون*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مؤمنی، نگار (۱۳۹۱). «تحلیل جرم زبانی» دروغ در نظام قضایی» از منظر زبان‌شناسی حقوقی (مطالعه موردی در محاکم قضایی تهران)، *دو فصلنامه علمی-پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهرا (س)*، س ۴، ش ۷، صص ۲۳۹-۲۶۵.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۴). *حقوق کیفری اختصاصی ۲: جرائم علیه اموال و مالکیت*، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ ۴۵، تابستان ۹۴، صص ۲۴۵-۳۹۶.
- یول، جورج (۱۹۹۶). *کاربردشناسی زبان*، ترجمه دکتر محمد عموزاده مهدیرجی و دکتر منوچهر توانگر، چاپ پنجم (۱۳۹۱)، تهران: انتشارات سمت.
- Austin, J. L. (1975). *How to do things with words*. Cambridge. Harvard University Press.
- Brown, G & G Yule. (1983). *Discourse Analysis*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Coulthard, R.M. & A. Johnson (2007). *An Introduction to Forensic Linguistics: Language in Evidence*, London & New York: Routledge.
- Fowler. R. (1996). *Linguistic Criticism*, New York: Oxford University Press.
- Grice, H. P. (1975). *Logic and conversation in (Eds)*, P. Cole & J. Morgan, New York: Academic Press.
- Haegeman, L. (1994). *Introduction to Government and Binding Theory*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Halliday, M.A.K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*, 2nd ed. New York: Edward Arnold.
- Hung, Ng. Sick & J. Broadax (1993). *Power in Language*, Verbal

- Communication and Social Influence. Sage Publication.
- Hurford, J. R, B. Heasley & M. B. Smith (2007). *Semantics a course book*, Cambridge: Cambridge University Press.
 - Levin, B. (1993). *English Verb Classes and Alternations*, Chicago: University of Chicago Press.
 - Saied, J. I. (2003). *Semantics*, USA: Blackwell Publishing.
 - Searle, J.R. (1969). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Shy, R. W. (2014). *The Language of Murder Cases*, Oxford University Press.
 - Simpson, p. (1997). *Language through literature*, London: Routledge.
 - Toolan, M. (2009). *Forensic Linguistics*, London: Rutledge, PP 1-15.
 - Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis*. Oxford University Press.
 - Verdonk, P. (2002). *Stylistics*, Oxford: Oxford University Press.
 - Yule, G. (1996). *Pragmatics. (2nd. Ed)*. Oxford: Oxford University Press.
 - Yule, G. (2000). *Discourse Analysis*, New York: Cambridge University Press.

۸. پیوست

تعریف چند اصطلاح حقوقی

جرم: پیرداد (۱۳۷۶: ۵) جرم^۲ را این‌گونه بیان می‌کند: حقوق جزا مربوط به رفتاری است که دولت آن را مستوجب مجازات می‌داند. در حالی که حقوق مدنی مربوط به حقوق خصوصی است. یک جرم ممکن است به‌عنوان یک خطای عمومی تلقی گردد، لیکن هر عملی که مضر به حال عموم هستند که اعمال آئین دادرسی کیفری نسبت به آن‌ها توجیه گردد... . جرم، خطایی قانونی است که ممکن است تعقیب جزایی را به‌دنبال داشته باشد و منجر به مجازات شود. سرقت: در ماده‌ی ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی سرقت^۳ عبارت است از ربودن مال غیر به‌طور پنهانی. مشاهیر فقهای اسلامی نیز سرقت را چنین تعریف کرده‌اند: سرقت یا دزدی^۴ آن است که شخص بالغ و عاقلی مال متعلق به دیگری را که در جایی محفوظ نگهداری می‌شود به‌طور مخفی و بدون اطلاع صاحبش ببرد. برای تحقق سرقت عناصری از قبیل ربودن مال دیگری، منقول بودن مال و تعلق مال به غیرضروری است. باید اشاره کرد که پایه‌ی اصلی سرقت در



عنصر خاص، ربودن مال دیگران بدون اجازه و رضایت صاحب اصلی آن است. موضوع سرقت اساساً شامل مالی است که قابلیت تملک و ربودن را داشته باشد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۲۴۵-۳۹۶).

بازجویی: به گفته‌ی تولان^{۶۶} (۲۰۰۹: ۲۳) بازجویی پلیس از مواردی است که نیازمند علم زبان‌شناسی است. بیابانی و هادیانفر (۱۳۸۴: ۵۹۹) بازجویی را قدرت جمع‌آوری و اخذ اطلاعات صحیح و قابل‌اعتماد از راه سؤال‌کردن و قدرت ارزیابی اطلاعات کسب‌شده، جدا کردن و تشخیص حقیقت از دروغ می‌دانند.

متهم: متهم^{۶۷} کسی که فاعل جرم تلقی شده ولی هنوز انتساب جرم به او محرز نشده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۱۲۷).

Spoken Features of the Robbery Defendants in Court

Forensic Linguistics is a new and interdisciplinary branch of applied linguistics and law that analyzes oral and written legal texts by using language tools and linguistic evidences and helps in detecting crime. **The goal of present research is to obtain spoken features of robbery defendants in order to provide a unique conversation of thieves in detection of crimes.** The authors are trying to describe and explain speech of robbery defendants in Semnan province judicial system from the perspective of Forensic Linguistics. The results show that the robbery defendants by using many linguistic principles such as high modality, activism deletion, infelicitous utterance, illocutionary act try to gain interrogators confidence. Investigation of lawsuits details show that robbery defendants in their defenses use linguistic principles differently. In particular, they use in their speech modality for 29%, contradictions for 16%, activism deletion for 14%, presupposition for ۱۰%, speech acts for 3%, implicature for 1% and middle voice construction for 0/5%. Also results suggest that attention to features and elegances of language like low modality, contradiction in speech, activism deletion, presupposition, implicature; middle voice construction and Gricean Cooperative Principles can help investigators and judges at crime detection.

Keywords: Forensic Linguistics, crime, theft, interrogation, accused

